

می‌تواند در کاهش هزینه‌های تولید به ما کمک کند، به همین دلیل توسعه رقابت‌پذیری در اقتصاد، کاهش تورم، کاهش هزینه‌های تولید به انجام می‌رسند.

اعتقاد بر این است که در تعاونی‌ها اصولی حاکم است؛ هفت اصلی که عرض کردم یکی دیگر از اصول بحث اطلاع‌رسانی به اعضا است، یعنی اعضای شرکت باید به صورت مستمر نسبت به تمام اطلاعات شرکت باخبر باشند. از اصول دیگر تعاونی آموزش به اعضا است که متوجه شوند شرایط چیست! در اینجا می‌گوید تأکید بر سرمایه‌های انسانی، سرمایه‌های انسانی همیشه باید پویا و باکیفیت باشند؛ به همین دلیل آموزش و توانمندسازی افراد همیشه مدنظر است. تعاونی «یک نفر برای همه، همه برای یک نفر»؛ یعنی ارتباطی که بین آدم‌ها هست، همیشه مورد توجه قرار گیرد. به همین خاطر در برخی از کشورها تعاونی را از یک سطح مشخص نمی‌گذارند بزرگ‌تر شود. می‌گویند این ارتباط و آن سرمایه اجتماعی نادیده گرفته می‌شود، تعاونی‌ها باید کنار هم باشند. به اعتقاد ما تعاونی ساختارش به شکلی است که با آن نظام اقتصاد اسلامی شباهت بیشتری دارد و می‌تواند به ما کمک کند.

پژوهش‌کننده تحقیقات راهبردی: در بعد حقوقی آن می‌خواهیم ورود کنیم. ما یک هدف‌گذاری در اسناد بالادستی (سند سیاست‌های کلی اصل ۴۴) و بعد در قوانین دیگر، مثل قانون اجرای سیاست‌ها، قانون

۹۹ برای عملیاتی شدن این موضوع مثلاً خود سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و ماده ۲۹ قانون رفع موانع تولید، قانون اجرای اصل ۴۴ گفته ۳۰ درصد از عواید حاصل از واگذاری در حوزه تعاونی‌ها برای توانمندسازی صرف شود، ولی یک ریال آن را تا به حال پرداخت نکرده‌اند! جالب این است که در برخی از قوانین بودجه، زمانی را تعیین تکلیف کرده و گفته‌اند دولت هر طور که خواست بدون در نظر گرفتن اولویت‌های ماده ۲۹ نحوه تخصیص درآمد حاصل از واگذاری‌ها را انجام دهد. ۶۶

برنامه پنجم و ششم در مورد بخش تعاونی‌ها داشتیم و آن هدف‌گذاری ۲۵ درصدی سهم تعاونی‌ها از اقتصاد کشور است. چه موانع حقوقی یا قانونی، یا حتی قضایی در راه رسیدن به آن هدف وجود داشته که مانع تحقق هدف ۲۵ درصدی مذکور شده است و مجبور بوده‌ایم که به محض اتمام برنامه پنجم، در برنامه ششم دوباره همان هدف‌گذاری را انجام دهیم و آیا اکنون که برنامه ششم نیز رو به اتمام است و ما وضعیت مناسبی نداریم، فاصله زیادی با هدف‌گذاری‌هایمان داریم؟

در مورد سهم ۲۵ درصدی بخش تعاون در مورد تأیید سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و قوانینی که بعد از آن هم اشاره فرمودید، در واقع بخش خصوصی هم کاری نکرده است. بر اساس فرمایشات رهبر انقلاب قرار شد زمانی که سیاست‌های کلی اصل ۴۴ ابلاغ و اجرا می‌شود انقلاب اقتصادی رخ دهد، ولی این انقلاب اقتصادی واقعاً رخ نداده است چه در بخش تعاون، چه در بخش خصوصی. سهم آن‌ها را هم اگر اندازه بگیرید بر اساس گزارش‌های خودشان زیر ۲۰ درصد است یعنی ۱۸ درصد یا کمتر از آن. قدمتشان طبیعتاً از ما هم بیشتر است، ما بین شش تا هشت درصد، آن‌ها ۱۸ درصد؛ یعنی آن طرف هم اتفاقی نیفتاده است. چرا زمانی که ابتدای سال ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ بودیم یک بخش خصوصی و تعاونی داشتیم که بر اساس قوانین آن زمان بخش‌هایی نبود که این وظایف مشخص در سیاست‌های کلی را بتواند انجام دهد. البته بخش‌هایی بودند که در حیطه خاصی امکان فعالیت داشتند؛ ولی وقتی با ابلاغ سیاست‌ها، گستردگی خیلی زیاد شد و این‌ها در همه عرصه‌های اقتصاد اجازه ورود پیدا کردند، اما هر دو ضعیف بودند. به همین دلیل یکی از اصول در ابلاغ سیاست‌های کلی و قانون بحث توانمندسازی بخش خصوصی و تعاونی بود؛ یعنی این‌ها را توانمند کنیم که بتوانند مأموریت‌های جدید را انجام دهند.

مشکل قانونی نداریم، مشکل عدم اجرای قوانین است

برای عملیاتی شدن این موضوع مثلاً خود سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و ماده ۲۹ قانون رفع

موانع تولید، قانون اجرای اصل ۴۴ گفته ۳۰ درصد از عواید حاصل از واگذاری در حوزه تعاونی‌ها برای توانمندسازی صرف شود، ولی یک ریال آن را تا به حال پرداخت نکرده‌اند! جالب این است که در برخی از قوانین بودجه، زمانی را تعیین تکلیف کرده و گفته‌اند دولت هر طور که خواست بدون در نظر گرفتن اولویت‌های ماده ۲۹ نحوه تخصیص درآمد حاصل از واگذاری‌ها را انجام دهد. حتی در قانون بودجه سال ۹۸ گفتند حداقل هزار میلیارد آن را بدهید به بانک توسعه تعاون جهت افزایش سرمایه که بتواند وام بدهد؛ یک ریال پرداخت نکردند! یا در مورد شرکت‌های فراگیر ملی یا موضوعات دیگر، واقعیت این است که در بخش توانمندسازی شرکت‌های تعاونی اتفاقی نیفتاده است. به جرئت می‌گویم که چه در اسناد بالادستی و چه در قوانین پایین‌تر از آن مشکل قانونی نداریم، مشکل عدم اجرای قوانین داریم. همچنین درباره نحوه واگذاری شرکت‌های دولتی بارها به سازمان خصوصی‌سازی تأکید کرده‌ایم که بیایید ما آدم‌های توانمند داریم؛ اما بخش‌های نحیفی بودند، کارشان شرکت‌داری است. پول آن چنانی ندارند که یک شرکت دولتی چند ۱۰ هزار میلیاردی را بخرند؛ اما تخصصش را دارند، شما بیایید به شیوه پیمان مدیریت یا فروش اقساطی به این‌ها واگذار کنید؛ اما دریغ از یک شرکت که این‌ها بخواهند واگذار کنند. شیوه واگذاری به شکلی بوده که در ظرفیت و توان این بخش‌ها نبوده است. مثلاً ما الآن بر اساس قانون، شرکت‌های توسعه عمران شهرستانی داریم، ظرفیت بزرگی است برای واگذاری شرکت‌هایی که در سطح شهرستان‌ها هستند؛ اما از این ظرفیت‌ها استفاده نکرده‌ایم. یا در مورد رقابت‌پذیری که باز یکی از اصول اساسی سیاست‌های کلی و قانون است. واقعیت این است که چه بخش خصوصی و چه بخش تعاونی، توان رقابت با نهادهای عمومی غیردولتی یا خصوصی‌ها را ندارند. این ظرفیت در ما نیست که بتوانیم با این‌ها رقابت کنیم. در یک کلام، اراده‌ای برای اجرای قوانین وجود ندارد، قوانین حوزه اصل ۴۴ و سیاست‌های کلی، الآن مصیبتی است که ما داریم. بر اساس قانون [اجرای سیاست‌های کلی] اصل ۴۴ تأکید شده بود که دولت یک برنامه عملیاتی تهیه کند تا سهم بخش تعاون به ۲۵ درصد برسد. در آن هم